

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
AWARD

Case No. B40

Chamber Two

پرونده شماره ب - ۴۰

شعبه دو

حکم شماره ۲ - ب ۴۰-۳۳۰

DUPLICATE
ORIGINAL
نسخه برابر اصل

17
دیوان داری دعوی ایران - ایالات متحد

| | | |
|---------------------------------------|---|-------|
| IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL | دادگاه داری دعوی ایران - ایالات متحد | |
| ثبت شد - FILED | | |
| Date | 20 NOV 1987 ۱۳۶۶ / ۱۱ / ۲۹ | تاریخ |
| No. | B40 | شماره |

شرکت ملی گاز ایران،

خواهان،

- و -

ایالات متحده امریکا،

خوانده.

حکم

یک - سابقه و گردش کار

۱ - در ۱۵ ژانویه ۱۹۸۲ [۲۵ دی ماه ۱۳۶۰] شرکت ملی گاز ایران ("خواهان") دادخواستی به ثبت رساند و خساراتی به مبلغ ۲۵،۲۵۲ میلیون ریال از ایالات متحده آمریکا ("خوانده") مطالبه کرد. ادعا از تحریمهای اقتصادی که خوانده در ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ [۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸] علیه ایران وضع نمود، ناشی می شود. حسب ادعا، این تحریمها مانع حمل ماشین آلات و تجهیزاتی شد که خواهان خریداری کرده بود و این امر بنوبه خود موجب شد که تکمیل و بهره برداری از پالایشگاه گاز خانگیران و مجتمع گردآوری گاز خانگیران و پروژه های مربوط با تاخیر مواجه گردد. (۱)

۲ - در ۱۹ آوریل ۱۹۸۲ [۳۰ فروردین ماه ۱۳۶۱] خوانده اظهاریه ای تحت عنوان "عرضحال ایالات متحده برای صدور دستور رد ادعاها به دلیل عدم صلاحیت" (۲) به ثبت رساند. ایالات متحده در عرضحال خود استدلال کرد که ادعا از صلاحیت دیوان خارج است، زیرا مطابق با الزامات ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی نیست. خوانده اظهار می دارد که در هر حال، چون ادعا از وضع تحریمهای اقتصادی ناشی می شود، طبق بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، از حیثه صلاحیت دیوان خارج است. در خاتمه، ایالات متحده درخواست دارد که دیوان طبق ماده ۲۱ قواعد خود، قبل از ادامه رسیدگی به پرونده، درباره عرضحال وی به عنوان یک موضوع مقدماتی، رای دهد.

(۱) در دادخواست سخنی از طرح اختلاف یا مساعله تفسیر یا اجرای بیانیه های الجزیره به میان نیامده و یا فی الواقع به اعمال خوانده بعد از تاریخ اجرای آن بیانیه ها، یعنی ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ [۲۹ دی ماه ۱۳۵۹] مربوط نمی شود.

(۲) در عرضحال، خواسته مشابهی برای پرونده های شماره ب - ۴۶، الف - ۱۰ و ب - ۵۴ نیز عنوان شده است. دو پرونده اول بدنبال درخواست استرداد از طرف خواهان ها، مختومه گردید و پرونده شماره ب - ۵۴ در حال حاضر در شعبه یک مطرح است.

۳ - دیوان طی دستور مورخ ۲۰ نوامبر ۱۹۸۶ [۲۹ آبان ماه ۱۳۶۵] از خواهان خواست که نظرات خود را درباره عرضحال خوانده به ثبت رساند. در ۲۶ اوت ۱۹۸۷ [چهارم شهریور ماه ۱۳۶۶] خواهان دستور دیوان را اجرا نمود. خواهان در جوابیه خود انکار کرد که ایران از ادعاهای ناشی از وضع تحریمهای اقتصادی صرفنظر کرده و به ویژه نپذیرفت که این قبیل ادعاها مشمول استثنای صلاحیت مندرج در بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی باشند. به علاوه، خواهان در پاسخ به استدلال خوانده مبنی بر اینکه این ادعا مشمول موارد تصریح صلاحیت مندرج در ماده دو نمی‌باشد، به استدلال وسیعتری بر مبنای اصل کلی (ب) بیانیه عمومی (۳)، یعنی قصد طرفین برای حل اختلافات از طریق داوری استناد کرد.

۴ - در ۲۹ سپتامبر ۱۹۸۷ [هفتم مهر ماه ۱۳۶۶]، خوانده از دیوان اجازه خواست که "پاسخ مختصری" به جوابیه خواهان به ثبت رساند. نظر به اینکه هر دو طرف فرصت داشته‌اند که نظرات خود را درباره موضوعات صلاحیتی مطروح در این پرونده ارائه دهند و با توجه به تصمیم دیوان که ذیلاً آمده است، درخواست خوانده رد می‌شود.

۵ - هیچیک از طرفین درخواست تشکیل جلسه استماع نکرده است و بنابراین دیوان مقرر می‌دارد که درباره موضوع صلاحیت مطروح در پرونده حاضر، براساس مدارک تسلیمی، تصمیم گرفته شود.

دوم - دلایل حکم

۶ - دیوان ملاحظه می کند که ادعا توسط شرکت ملی گاز ایران ثبت و توسط معاون وزیر نفت جمهوری اسلامی ایران امضاء شده است. دیوان قبلاً "نظر داده است که این خواهان یک واحد تحت کنترل دولت ایران است و [بنابراین] مسلماً" مشمول تعریف "ایران" در بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی می باشد. رجوع شود به: ص ۱۱ [متن انگلیسی] حکم شماره ۳-۵۴-۹۷ (مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۳/۲۹ آذر ماه ۱۳۶۲) صادره در پرونده دیمز اند مور و جمهوری اسلامی ایران و سایرین، و ص ۳ [متن انگلیسی] حکم شماره ۲-۲۶۳-۲۵۴ (مورخ ۱۸ سپتامبر ۱۹۸۶/۲۷ شهریور ماه ۱۳۶۵) صادره در پرونده اونسکو اینکوریوریتد و شرکت ملی گاز ایران. بنابراین، ادعا، ادعائی است بین دو دولت و یک "ادعای رسمی" است که صلاحیت دیوان بر آن، در بند ۲ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی تعریف شده است.

۷ - صلاحیت دیوان نسبت به "ادعاهای رسمی" محدود به ادعاهایی است که از ترتیبات قراردادی بین دو دولت برای خرید و فروش اجناس و خدمات ناشی شده باشند. در این پرونده، خواهان مدعی وجود چنین قرارداد یا قراردادهایی بین خود و خوانده نشده است. در واقع، خواهان صراحتاً اظهار می دارد که ادعا "از تحریمهای اقتصادی ایالات متحده امریکا ناشی شده است". بنابراین، چون ادعا یک ادعای "رسمی" است، ولی از آن گونه ترتیبات قراردادی که در بند ۲ ماده دو تصریح گردیده، ناشی نمی شود، دیوان متقاعد شده است که ادعا خارج از حیطه صلاحیت آنست. با توجه به این نظر، دیوان لازم نمی داند که در مورد استدلالات طرفین درباره ذیربط بودن استثنای صلاحیت مندرج در بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی رأی دهد.

۸ - ولی خواهان مضافاً به عنوان مبنای صلاحیتی دیگری در این پرونده، به اصل کلی (ب) بیانیه عمومی استناد و استدلال می کند که علیرغم اشاره صریح به ترتیبات قراردادی برای خرید و فروش اجناس و خدمات در بند ۲ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، قصد اعلام شده دو دولت، حل و فصل کلیه دعاوی از طریق داوری بوده است و بنابراین ادعا لزوماً مشمول بیانیه حل و فصل دعاوی می باشد. دیوان عمومی قبلاً رأی داده است که این قصد صریح دو دولت، مشروط و مقید به عبارتی است که بلافاصله قبل از آن آمده، یعنی "در چهارچوب و پیرو شرایط دو بیانیه". رجوع شود به: تصمیم شماره الف - ۲ - ۱ مورخ ۲۶ ژانویه ۱۹۸۲ [ششم بهمن ماه ۱۳۶۰] دیوان عمومی. دیوان معتقد است که برای اینکه ادعای حاضر به صورت ارائه شده، مشمول صلاحیت دیوان باشد، باید در چارچوب بند ۲ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی مورد رسیدگی قرار گیرد (۴). به دلایل مذکور در فوق (رجوع شود به: بند ۷ فوق) دیوان معتقد است که ادعا حائز شرایط مندرج در بند ۲ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی نمی باشد و بنابراین باید مردود شناخته شود.

سوم - حکم

۹ - به دلایل پیش گفته،

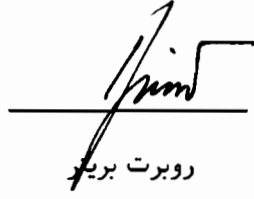
دیوان به شرح زیر حکم صادر می کند:

(الف) ادعای شرکت ملی گاز ایران به دلیل فقد صلاحیت رد می شود.

(۴) رجوع شود به پانوشته ۱ فوق.

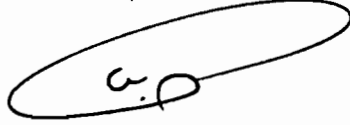
(ب) هر يك از طرفين بايد هزينه هاى داورى خود را متقبل گردد.

لايه، به تاريخ ۲۰... نوامبر ۱۹۸۷ برابر با ۲۹... آبان ماه ۱۳۶۶

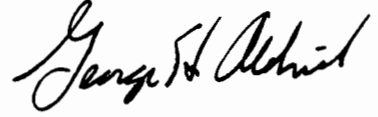


روبرت برينر
رئيس شعبه دو

به نام خدا



حميد بهرامى احمدى
مخالـف



جرج اچ. آلدریچ